

بررسی تطبیقی زبان بدن در دو رمان *آیام‌معه* از کولیت خوری و *بامداد خمار* از فتانه حاج‌سیدجوادی

عبدالباسط عرب یوسف آبادی*¹، فروزان شهرکی²، علی اصغر حبیبی³

1-دکترای تخصصی عضو هیات علمی دانشگاه ملی زابل

2-کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه ملی زابل

3-دکترای تخصصی عضو هیات علمی دانشگاه ملی زابل

پذیرش: 1397/12/18

دریافت: 1397/3/00

چکیده

ارتباطات غیرکلامی، به‌مثابه یکی از شاخه‌های روان‌شناسی، گستره وسیعی از فعالیت‌های اندامی بدن را دربرمی‌گیرد که به آن «زبان بدن» می‌گویند. زبان بدن شامل پیام‌های افراد با نگاه‌ها، حالات چهره و ژست‌هاست که در متون ادبی به درک خواننده از متن کمک می‌کند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است زبان بدن در رمان *آیام‌معه* (1960م) از کولیت خوری و *بامداد خمار* (1395) از فتانه حاج‌سیدجوادی، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بررسی شود. زبان بدن در هر دو رمان کارکردی تقریباً یکسان دارد (12 درصد *آیام‌معه* و 10 درصد *بامداد خمار*). کاربرد فراوان مفاهیمی چون خوشحالی، خشم، ترس و اضطراب در رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های زنانه دو اثر موجب بازتاب گسترده آن‌ها در زبان چهره شخصیت‌ها (77 درصد *آیام‌معه* و 55 درصد *بامداد خمار*) شده است. چنین میزانی از کارکرد زبان چهره بدان سبب است که چهره معمولاً هنگام ارتباط بیشتر استفاده و دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: روابط غیرکلامی، زبان بدن، حالات چهره، رفتارهای حرکتی، *آیام‌معه*، *بامداد خمار*.

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دوره 7، شماره 3، پاییز 1398، صص 196-221

1. مقدمه

1-1. بیان مسئله

«روان‌شناسی» و «ادبیات» رابطه‌ای متقابل دارند؛ بدین شکل که «روان انسان ادبیات را می‌سازد و ادبیات روان آدمی را می‌پروراند» (امامی، 1377: 119). «ادبیات در پی جلای روح بشر و از بین بردن احساسات منفی در اوست و روان‌شناسی سعی دارد احساسات لطیف را جایگزین احساسات منفی سازد» (شوقی، 1350: 32). این رابطه از یک سو مجالی گسترده برای نوآوری در ژانرهای ادبی فراهم می‌کند و از دیگر سو تحلیلگر ابداعات بر پایه نقد روان‌شناختی می‌تواند «توانایی حل و کشف بسیاری از معماها و مجهولات را پیدا کند و خواننده را به شناخت بسیاری از اسرار تکوین این آثار رهنمون سازد» (رجائی، 1388: 191).

روان‌شناسان فرایند ارتباط را به دو نوع «کلامی» و «غیرکلامی» تقسیم می‌کنند (، 2010: 17) و بر این باورند که «ارتباطات انسانی محدود به حوزه کلام نیست؛ بلکه بخش چشمگیری از آن از طریق ارتباطات غیرکلامی صورت می‌گیرد» (الفارس، 1332: 5). این گونه ارتباط دارای شاخه‌های متعددی است که زبان بدن از مهم‌ترین آنهاست. زبان بدن «شامل تمامی جنبه‌های ارتباطی، به جز واژگان، است» (دویکات و ندی، 2016: 14)؛ بدین گونه که پیام‌رسان بی‌آنکه از گفتار سودی ببرد، پیام خود را به پیام‌گیر ارسال می‌کند (أحمد، 2002: 38). برای این کار، وی با سر اشاره و بال‌ب، انگشت و چشم‌های خود نشانه‌های حاوی پیام را منتقل می‌کند. «حرکات اعضای بدن می‌تواند مبنای شکل‌گیری برداشت‌های دیگران درباره پیام‌رسان شود» (رضایی، 1393: 47). نشانه‌ها در ارتباطات روزمره «از یک سو جایگزینی برای پیام‌های کلامی است و از دیگر سو سبب تقویت آنها می‌گردد» (، 2010: 20). از این‌رو زبان بدن در برخی از موقعیت‌ها به مراتب بیشتر از گفتار بیان‌کننده افکار و احساسات اشخاص است و می‌تواند «پیام‌های ویژه‌ای را منتقل کند که با زبان گفتار قابل بیان نیست» (العدوی محمد، 2016: 5). در توضیح می‌افزاییم که زبان بدن مسئله‌ای فرهنگی است. «ممکن است یک رفتار در یک فرهنگ حامل پیامی خاص در میان حاملان آن فرهنگ باشد، اما



در بین اعضای فرهنگی دیگر دارای پیامی متفاوت باشد» (بیز، 1997: 11). بنابراین برای درک بهتر آن باید به چارچوب‌های فرهنگی افرادی که از آن زبان بهره می‌برند، نیز توجه کرد (کینزی جومان، 2010: 15).

زبان بدن، گذشته از اینکه در روابط اجتماعی کاربرد دارد، «در ژانرهای مختلف ادبی، از جمله نمایش‌نامه، رمان و شعر، به شکل متنوع قابل مشاهده است» (بهنام و دیگران، 1393: 36). در ادبیات داستانی، «استفاده درست از ارتباطات غیرکلامی به شخصیت‌پردازی، فضا سازی و در نتیجه به خواننده در درک اثر یاری می‌رساند» (آذری و نیان، 1090: 1). از آنجا که زن‌ها در روابط روزمره بخش اعظمی از پیام‌هایشان را با نمادها، نشانه‌ها و عناصر غیرکلامی منتقل می‌کنند، «توانایی بیشتری برای درک زبان بدن نسبت به مردها دارند» (العدوی محمد، 2016: 13). این نوع پیام‌رسانی را در داستان‌هایی که زن‌ها می‌نگارند، به‌ویژه از زبان شخصیت‌های زنانه داستان، مشاهده می‌کنیم.

کولیت خوری (متولد 1937م)، داستان‌نویس و ناقد سوریه‌ای تبار و صاحب رمان مشهور *ایامعه*، و فتانه حاج سیدجوادی (متولد 1424)، داستان‌نویس و ناقد ایرانی و نویسنده رمان مشهور *بامداد خماری*، از معدود زنان رمان‌نویسی هستند که پیام‌هایی را از طریق اندام‌های بدن زن‌ها و در هیئت رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های زنانه داستان به مخاطب ارسال می‌کنند. در *ایامعه* و *بامداد خماری* سهم استفاده از حالات چهره، حرکات دست، حالات سر و رفتارهای حرکتی شخصیت‌های داستان به‌اندازه‌ای است که محور شناخت و ارزیابی شخصیت‌های دو اثر قلمداد می‌شود.

1-2. هدف و روش تحقیق

پژوهش حاضر برآن است انواع زبان بدن و کارکردهای آن را در شخصیت‌های زنانه دو رمان با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بررسی و مقصود دو نویسنده را از انتقال پیام در قالب رفتارهای غیرکلامی این شخصیت‌ها تبیین کند.

1-3. پرسش‌های تحقیق

در پژوهش حاضر تلاش می‌کنیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

1. زبان بدن شخصیت‌های زنانه در کدام یک از رمان‌های *آیام‌معه* و *بامداد خممار* برجسته‌تر است؟
 2. کدام یک از انواع زبان بدن شخصیت‌های زنانه در این دو رمان پرکاربردتر است؟
 3. پرسامدترین کارکردهای زبان بدن شخصیت‌های زنانه در دو رمان کدام است؟
- 1-4. فرضیه‌های تحقیق**
پژوهش برپایه فرضیه‌های ذیل شکل گرفته است:
1. زبان بدن شخصیت‌های زنانه در هر دو اثر بسامدی مشابه دارد.
 2. به نظر می‌رسد حالات چهره از جمله برجسته‌ترین زبان بدن در دو اثر باشد.
 3. بنابر درون‌مایه عاشقانه داستان *آیام‌معه*، گمان می‌رود کارکردهای مثبت زبان بدن در این اثر بیشتر از *بامداد خممار* باشد.
- 1-5. ضرورت و اهمیت تحقیق**
تحقیق در روابط و مناسبات ادبیات ملت‌ها سبب آشنایی با مبادلات فکری و ادبی آن‌ها می‌شود و افزون‌بر اینکه بستری برای شناخت ادبیات خود فراهم می‌کند، به شناساندن ادبیات خود به دیگر ملل یاری می‌رساند. از موضوعات درخور بررسی در این عرصه مطالعه دنیای زنان و مناسبات فرهنگی است که زنان عرب‌زبان و فارسی‌زبان با آن برخورد می‌کنند. این مناسبات در حوزه ادبیات، به‌ویژه داستان‌های زنانه، جلوه‌ای ویژه دارد. این رفتارها ریشه در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی مشترک میان عرب‌ها و ایرانیان دارد و مطالعه آن‌ها در شناخت زوایای پنهان این دو فرهنگ به ما کمک می‌کند.
- 1-6. پیشینه تحقیق**
پژوهشگران عرب‌زبان درباره روابط غیرکلامی و بازتاب آن در متون ادبی بسیار تحقیق کرده‌اند؛ از جمله کالرو (2005م) در کتاب
اذعان می‌کند که با بررسی حرکات بدن به رفتارها و افکار دیگران پی می‌بریم.
(2010م) در پایان‌نامه
به رفتارشناسی زبان بدن شخصیت‌ها
در داستان‌های قرآنی پرداخته است. الجبر (2014م) در مقاله «



« به کارایی گسترده زبان بدن در گفتمان سه گروه ناقدان، فیلسوفان و ادبا می‌پردازد. شحرور (2009م) در کتاب

رفتارهای غیرکلامی انسان‌ها و اسرار درونی آن‌ها را بررسی کرده است.

پژوهشگران فارسی‌زبان نیز به بازتاب زبان بدن در ژانرهای ادبی و متون مقدس پرداخته‌اند؛ از آن جمله است: مروتی و دیگران (1392) در مقاله «نوع‌شناسی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم» جایگاه ارتباطات غیرکلامی را در آموزه‌های دینی واکاویده‌اند. بهنام و دیگران (1393) در مقاله «گفتار بی‌صدا: تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس» نشانه‌های غیرکلامی را به انواع دیداری، آوایی و نشانه‌های مربوط به فاصله زبان بدن تقسیم می‌کنند و بسامد تکرار هریک را با در نظر داشتن بافت غزل مولوی مشخص می‌کنند. باقری و زلیکانی (1394) در مقاله «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» به بررسی مصادیق زبان بدن، به‌مثابه یکی از ابزارهای ارتباط غیرکلامی در تاریخ بیهقی، می‌پردازند. قبادی و مهرجردی (1494) در مقاله «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ: نقش ارتباطات غیرکلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان» معتقدند رمز ماندگاری شعر حافظ در وجوه کلامی آن خلاصه نمی‌شود و دلایل غیرکلامی نیز در ماندگاری آن نقش داشته‌اند.

با توجه به پیشینه یادشده، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی تطبیقی زبان بدن در داستان‌های زنانه عربی و فارسی، به‌ویژه آثار کولیت خوری و فتانه حاج‌سیدجوادی، نپرداخته است. بنابراین، پژوهش حاضر به‌درستی نخستین پژوهشی است که زبان بدن را به‌طور تطبیقی در آثار مذکور بررسی کرده است.

2. بحث

2-1. روان‌شناسی رفتاری

امروزه انسان‌ها در دورانی زندگی می‌کنند که «ارتباطات نقش بسزایی در تحقق اهداف آن‌ها ایفا می‌نماید» (مروتی و دیگران، 1392: 177). افراد به دو طریق کلامی و غیرکلامی ارتباط برقرار می‌کنند؛ ولی بخش درخور توجهی از ارتباطشان را رفتارهای

غیرکلامی شکل می‌دهد (رضایی، 1393: 00). هر فرد در عرض چند لحظه با به کارگیری حرکات بدن پیام‌های متنوعی را به مخاطب ارسال می‌کند. در این نوع ارتباط، «از زبان گفتار و نوشتار استفاده‌ای نمی‌شود؛ زیرا اساس آن بر واژگان، جملات و عبارات استوار نیست» (محمد صالح، 2009: 11). با درک این تفاوت می‌توان گفت «ارتباط کلامی اساساً برای انتقال اطلاعات به‌کار می‌رود؛ درحالی که ارتباط غیرکلامی برای تبادل نگرش‌های میان‌فردی» (بیز، 1997: 8). روان‌شناسی رفتاری در پی ارزیابی همه جنبه‌های ارتباطی، از جمله واژگان، نحوه ادای کلمات، ژست‌ها و حرکات بدن پیام‌رسان، است. در این میان، توجه بیشتر این شاخه از روان‌شناسی بر رفتارهایی چون «لبخند زدن، نوع نگاه کردن، حرکات سر، دست دادن، تکان دادن شانه‌ها، در آغوش گرفتن» (عبدالله، 2444: 111) است. روان‌شناسان رفتاری معتقدند پیام‌های ارسال‌شده حرکات بدن «بیشترین تأثیر مستقیم را بر پیام‌گیر دارد» (أحمد، 2002: 95)؛ زیرا پیام‌رسان توان پنهان کردن پیام‌های غیرکلامی را، همچون پیام‌های کلامی، ندارد.

برای تفسیر بهتر رفتارهای غیرکلامی باید به شرایطی که در آن‌ها حرکات بدن به‌کار رفته است، توجه کنیم؛ زیرا «خاستگاه جغرافیایی و قومی، موقعیت و طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات در برداشت معنای رفتارها مؤثر است» (حاجتی و رضی، 1391: 172) و می‌تواند «تصویر روشنی از فرهنگ پیام‌رسان و نحوه نگرش و دل‌بستگی‌های ویژه او در اختیارمان بگذارد» (حامد مطاوع، 2004: 4). بنابراین در روان‌شناسی رفتاری اگر همه عوامل در نظر گرفته نشود، «درک و فهم اشارات اعضای بدن کاری سخت محسوب می‌گردد» (کالرو، 2005: 14).

2-2. زبان بدن در آیامعه و بامداد خممار

زبان بدن شامل تمام پیام‌هایی است که افراد با حالات چهره، نحوه نگاه و حرکات بدن خود به دیگران منتقل می‌کنند (رضی و افراخته، 1389: 00) و تکنیکی برای معرفی شخصیت‌های داستانی و شیوه‌های پرداخت آن به‌شمار می‌آید. به‌دلیل حضور گسترده شخصیت‌ها در رمان، این ژانر ادبی خاستگاه ارتباطات غیرکلامی و به‌تبع آن زبان بدن شخصیت‌هاست. این امر زمانی جلوه می‌کند که بدانیم با توجه به تفاوت سبک نگارش



زنانه و مردانه شیوه‌های کاربردی انواع زبان بدن در هریک از این دو سبک متفاوت است. «زنان نویسنده در ارتباط کلامی شخصیت‌های داستان‌هایشان بیش از مردان از عوامل غیرزبانی، همچون اعضای بدن، لحن و آهنگ کلام، بهره می‌گیرند» (، 2002: 143)؛ زیرا «زنان از توانایی ذاتی برای درک و تفسیر علائم غیرکلامی برخوردار هستند» (بیز، 1997: 9).

زبان بدن که به حالات چهره، حرکات دست، حرکات سر و رفتارهای حرکتی تقسیم می‌شود، دارای کارکردهای متفاوتی است که در ادامه به بررسی تطبیقی برجسته‌ترین موارد آن در دو اثر مذکور می‌پردازیم.

2-2-1. حالات چهره

در روابط میان‌فردی حالات چهره از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا «این بخش از بدن در هنگام تعامل با دیگران بیشتر قابل رؤیت است» (ریچموند و مک‌کروسکی، 1388: 19). مخاطب از طریق حالات چهره بیشتر می‌تواند «به حالات درونی مخاطب و احساسات واقعی او پی ببرد» (، 2010: 46)؛ زیرا در چهره هر فرد هیجانات اساسی «خشم، ترس، شادی، غم، تعجب و تنفر» (الفارس، 1432: 35) قابل مشاهده و درک است.

«خنده» از جلوه‌های هیجانات درونی مخاطب است که در موقعیت‌های متفاوت مفاهیم متعددی را دربرمی‌گیرد. خنده و حالات آن، به مثابه رفتاری غیرکلامی، دارای کارکردهای متعددی است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

جدول 1: کارکردهای زبان خنده در دو رمان

| ردیف | کارکرد | ایام‌معه | بامداد خماری | ردیف |
|------|------------|----------|------------------|------|
| 1 | خوشحالی | () . | سودابه قهقهه زد. | 21 |
| 2 | تأیید کردن | () . | عمه خندید. | 13 |

| | | | | | |
|---------|--|---------|-------|------------|---|
| 24 8 | پوزخندی از سر تمسخر زد. (مادر رحیم) | 28 6 | () . | تمسخر | 3 |
| 42 0 | پوزخند تلخی زدم. (محبوبه) | 32 9 | () . | نامیدی | 4 |
| 98 | با صدایی گرفته به زور خندید. (نزهت) | 73 | () . | پنهان‌کاری | 5 |

در ردیف 1، دو نویسنده برای بیان خوشحالی مفرط ریم و سودابه از اتفاق خوشایندی که برایشان رخ داده است، از زبان خنده (ابتسمت و قهقهه زدن) به‌گونه‌ای استفاده می‌کنند که گویای رضایتمندی آنان است. هر دو نویسنده با آگاهی از این مطلب که خنده در موقعیت‌های هیجان‌برانگیز به‌راحتی ایجاد و منجر به خالی شدن هیجانات درونی اشخاص می‌شود، از آن استفاده کرده‌اند. در ردیف 2، 3 و 4 نیز زبان خنده به‌تنهایی یا به‌همراه واژگانی به‌کار رفته است که بر تأیید، تمسخر و ناامیدی گوینده دلالت دارد و از طریق آن گوینده بدون گفتار قادر است با مخاطب ارتباط برقرار و پیام خود را به او منتقل کند. در ردیف 5، یکی از مرموزترین حالت‌های خنده (پنهان‌کاری) را مشاهده می‌کنیم. در مثال اول، ریم در شرایط دوگانه‌ای قرار گرفته است: از طرفی نمی‌خواهد با زیاد صحبت کند و از طرف دیگر نمی‌خواهد او را ناراحت ببیند؛ بنابراین با خنده‌ای خاص () احساسات خود را پنهان می‌کند. در *بامداد خمار*، وقتی نزهت و خانواده‌اش از ماجرای علاقه محبوبه به آن نجار مطلع می‌شوند، نزهت برخلاف سایر اعضای خانواده سعی می‌کند با خنده دروغین (به‌زور خندید) احساساتش را پنهان کند. از نظر روان‌شناسان، «فردی که نمی‌خواهد احساسات واقعی خود را بروز دهد، به‌ویژه زمانی که قصد دارد خشم یا اندوه خود را پنهان کند، این صورتک خوشحال را بر چهره می‌زند» (کینزی جومان، 2010: 75).

با دقت در کارکردهای زبان خنده در *آیام‌مه* و *بامداد خمار* درمی‌یابیم که بخش درخور توجهی از انواع خنده در دو رمان حاوی پیام خوشحالی مفرط است (55 درصد *بامداد خمار* و 73 درصد *آیام‌مه*). این میزان کارکرد نشان می‌دهد که هر دو



نویسنده قصد دارند با نادیده گرفتن فشارهای جامعه مردسالار و سختی‌هایی که زنان در چنین جامعه‌ای متحمل می‌شوند، نوعی خوشحالی را به شخصیت‌ها القا کنند. شایان ذکر است طیف معنایی خنده در این دو رمان بسیار متنوع است؛ به طوری که تقریباً یک‌چهارم از حالات چهره شخصیت‌های دو رمان (46 درصد آیامعه و 35 درصد بامداد خمار) صرفاً به زبان خنده اختصاص دارد.

«تماس چشمی» یکی از ظریف‌ترین ارتباط‌های غیرکلامی زبان نگاه است. اغلب افراد با برقراری تماس چشمی در عرض چند لحظه پیام‌های متفاوتی را، بسته به شرایط و موقعیت، به طرف گفت‌وگو منتقل می‌کنند. این پیام‌ها دلالت بر ترس، شادی، عشق، تمسخر یا خشم دارد.

جدول 2: کارکردهای زبان نگاه در دو رمان

| ردیف | کارکرد | آیامعه | بامداد خمار |
|------|--------------|--------|--|
| 1 | تعجب | () | چشمانش گرد شده بود. (عصمت) |
| 2 | ایجاد ارتباط | () | حیرت‌زده نگاهش می‌کنم. (محبوبه) |
| 3 | دقت | () | هر دو به هم خیره شدیم. (محبوبه و رحیم) |
| 4 | بررسی کردن | () | نگاهی به چپ و راست کرد. (رحیم) |
| 5 | تفکر عمیق | () | به قالی جلوی پایم خیره شدم. (محبوبه) |

در ردیف 1، ریم و عصمت بعد از شنیدن خبر عجیبی از مخاطب شگفت‌زده می‌شوند و نوع تعجبشان را با نگاهی حاوی باز شدن چشم و نشان‌دهنده تعجب («اتسعت عیونی» و «چشمانشان گرد شد») بروز می‌دهند. در ردیف 2، وقتی ریم و محبوبه علاقه‌مند به ادامه گفت‌وگو با مخاطب خویشانند، به جای زبان گفتار و

درخواست ادامه گفت‌وگو از مخاطب به صورت صریح و با خیره شدن (» و «حیرت‌زده نگاهش می‌کنم») پیام را به مخاطب القا می‌کنند. در ردیف 3 و 4 نیز گوینده با نوع نگاهی که دالّ بر دقت و بررسی است و بی‌آنکه از زبان گفتار بهره‌ای ببرند، مقصود خویش را به مخاطب ارسال می‌کنند. در ردیف 5، وقتی ریم و محبوه قصد دارند عمیق‌تر دربارهٔ مطلبی بیندیشند، به‌جای بیان مستقیم و توصیف حالت خود با تکیه بر عباراتی که دالّ بر زبان نگاه است (» و «خیره شدم») علاقهٔ خویش را به تفکر عمیق به مخاطب منتقل می‌کنند.

با بررسی هر دو رمان شاهد استفادهٔ فراگیر شخصیت‌ها از ارتباطات چشمی مناسب هستیم. این کارکرد بسته به بافت ارتباط حامل مفاهیم گوناگونی است؛ به‌طوری که تداوم تماس چشمی شخصیت‌های دو اثر منجر به ادامهٔ گفت‌وگو و ابراز علاقه به طرف مقابل می‌شود و برعکس، نبود تماس چشمی به قطع ارتباط و بی‌اعتمادی دو طرف می‌انجامد. در مقایسهٔ استفاده از تماس چشمی شخصیت‌ها تقریباً هر دو رمان به صورت برابر حدود یک‌سوم حالات چهره را به خود اختصاص داده‌اند (31 درصد آیام‌معه و 37 درصد بامداد خمار). این میزان کارکرد نشان از تشابه دو رمان در استفاده از زبان نگاه دارد.

«گریه» واکنشی رفتاری است که «گاه در مواجهه با احساس اندوه و گاه از غلبهٔ عواطفی دیگر، همچون شادی، ترس و درماندگی، بروز می‌کند» (کلاهیچیان و جمشیدی، 1392: 117). از نظر روان‌شناسی، گریه در سه سطح متفاوت روی می‌دهد: 1. شرایط فیزیولوژیکی موجب گریه می‌شود. 2. خلیقیات، احساسات و حالات عاطفی منجر به گریه می‌شود. 3. احساسات ژرف‌تر ناشی از حالات عرفانی موجب گریه می‌شود (معتدی، 1389).

جدول 3: کارکردهای زبان گریه در دو رمان

| ردیف | کارکرد | آیام‌معه | بامداد خمار | ردیف |
|------|--------|----------|--------------------------------|------|
| 1 | اندوه | () | هق‌هق به گریه افتادم. (محبوبه) | 84 |
| 3 | شادی | () | از شدت عشق و سرمستی | 32 |



| | | | | | |
|---|--------------------------|--|--|--|--|
| 9 | اشکم سرازیر شد. (محبوبه) | | | | |
|---|--------------------------|--|--|--|--|

در ردیف 1، وقتی ریم و محبوبه متوجه می‌شوند اتفاقی خلاف خواسته‌شان رخ داده است (مخالفت خانواده با کار کردن ریم در خارج از خانه و مخالفت خانواده با ازدواج محبوبه)، اندوهگین می‌شوند و اندوه خود را به‌جای بیان، با گفتار با گریه‌ای در هیئت زبان بدن ابراز می‌کنند. مخاطب با درک این مطلب که «هنگام گریه تغییراتی در ساختار بدن پدید می‌آید که حالت اندوه انسان به دیگران منتقل می‌شود» (عرفات الحلو، 2008: 42)، پیام نهفته در زبان گریه آن‌ها را دریافت می‌کند. در ردیف 2، نوع دیگری از گریه به‌کار رفته است: گریه‌ای که دلالت بر شادی فرد دارد؛ بدین شکل که زیاد و محبوبه به‌جای اینکه خرسندی خود را از اتفاق خوشایندی که برایشان رقم خورده است با زبان گفتار اعلام کنند، گریه می‌کنند و اشک شادی در چشمانشان نمایان می‌شود.

با بررسی فراوانی زبان گریه در دو رمان دریافتیم که این زبان به‌صورت تقریباً برابر حجمی اندکی از حالات چهره هر دو اثر (14 درصد ایام‌معه و 15 درصد بامداد خمار) را به خود اختصاص داده است. این نزدیکی فراوانی، مشابهت دو اثر را در استفاده از زبان بدن نشان می‌دهد. همچنین تقریباً 95 درصد از زبان گریه در هر دو رمان به کارکرد متعارف گریه (ابراز اندوه) اختصاص داده شده که علت آن درون‌مایه هر دو داستان است: آمیزه‌ای از غم و اندوهی که جامعه و اطرافیان بر شخصیت‌های زنانه داستان تحمیل می‌کنند.

«لب و دهان» نیز، مانند دیگر حالات چهره، دارای حالات و حرکاتی است که هرکدام از آن‌ها حاوی پیام‌های متعددی می‌تواند باشد. روان‌شناسان با تأکید بر این مطلب که لب و دهان در ارتباطات روزمره کارکرد مهمی دارند (نافارو، 2010: 200)، این عضو از بدن را «آوردگاه چهره» (ریچموند و مک‌کروسکی، 1388: 233) توصیف کرده‌اند که هریک از حالات آن «می‌تواند دلالت بر کسالت، علاقه، غم، شادی، تحقیر، تنفر، خشم، نافرمانی، تعجب و غیره داشته باشد» (همان، 244).

جدول 4: کارکردهای لب و دهان در هر دو رمان

| ردیف | کارکرد | آیامعه | بامداد خممار | ردیف |
|------|--------|--------|--|------|
| 1 | اندوه | () | لب‌هایش می‌لرزید. (پدر محبوبه) | 275 |
| 2 | محبت | () | مرا در آغوش گرفت و بوسید. (مادر منصور) | 249 |
| 3 | خشم | () | دندان‌ها را چنان برهم فشرد... (مادر) | 342 |

در ردیف 1، ریم و پدر محبوبه قصد ابراز اندوهی را دارند که نمی‌توانند در قالب عبارات بیان کنند؛ لذا برای انتقال احساس اندوه به مخاطب از زبان بدن لب و دهان بهره‌می‌گیرند («) و «لب‌هایش می‌لرزید». در ردیف 2، دو نویسنده به توصیف صحنه محبت‌آمیز میان زیاد و محبوبه () و محبوبه و مادر منصور (مرا در آغوش گرفت و بوسید) می‌پردازند و آن را با زبان بدن لب و دهان (بوسیدن) تصویر می‌کنند («) و «بوسید» تا به جای زبان گفتار و استفاده از واژگان محبت‌آمیز عمق احساسات شخصیت‌ها را با حالات لب و دهان آنان توصیف کنند. در ردیف 3، وقتی ریم و مادر محبوبه در معرض رفتار پرخاشگرانه مخاطب قرار می‌گیرند و قصد ابراز عکس‌العمل منفی خویش (خشم) را دارند، به جای ترسیم و توصیف این حالت و احساس در قالب زبان گفتار از زبان بدن لب و دهان («) و «دندان‌ها را چنان برهم فشرد...» استفاده شده و شدت خشم آنان ترسیم شده است.

با بررسی زبان لب و دهان در دو رمان دریافتیم که در *بامداد خممار* از زبان بدن لب و دهان بیشتر از *آیامعه* استفاده شده است (9 درصد *آیامعه* و 13 درصد *بامداد خممار*) که این تفاوت ارتباط مستقیمی با تعداد بیشتر شخصیت‌های *بامداد خممار* از *آیامعه* دارد.

2-2-2. رفتارهای حرکتی

رفتارهای حرکتی به حالات راه رفتن، دویدن، نشستن و غیره اطلاق می‌شود که در ارتباطات روزمره، اطلاعاتی را درباره اخلاق، شخصیت افراد، روحیات و وضع روانی



اشخاص منتقل می‌کنند (فرهنگی، 1373: 274). این نوع رفتار بدنی در خلال گفت‌وگوهای شخصیت‌های دو داستان به‌گونه‌ای مشهود است که پیام مورد نظر با ساختار مناسب به مخاطب القا می‌شود. نمونه‌مثال‌های زیر از جمله این موارد است:

جدول 5: کارکردهای رفتارهای حرکتی در هر دو رمان

| ردیف | کارکرد | ایام‌مه | بامداد خمار |
|------|--------------|---------|------------------------------------|
| 1 | عجله داشتن | () . | دوان‌دوان وارد شدم. (محبوبه) |
| 2 | ترس | () . | بدنم مثل بید می‌لرزید. (محبوبه) |
| 3 | علاقه | () . | برگشت و کنارم نشست. (عصمت) |
| 4 | استراحت کردن | () . | دراز کشیدم کنار پسر. (مادر) |
| 5 | دغدغه فکری | () . | راه می‌رفتم؛ می‌نشستم. (محبوبه) |

در مثال‌های بالا، شاهد بروز رفتارهای حرکتی متعددی از جانب شخصیت‌های زنانه داستان هستیم که هرکدام از آنان حاوی پیام‌هایی به مخاطب است. برای مثال در ردیف 2، ریم و محبوبه برای بیان شدت ترس خود به‌جای اینکه صریح و مستقیم از عباراتی استفاده کنند که بیانگر ترسشان باشد، از رفتار حرکتی «لرزیدن» استفاده می‌کنند. در ردیف 3، رفتار حرکتی نشستن کنار کسی «و کنارم نشست» نشان‌دهنده ابراز علاقه شخصیت داستانی به طرف مقابل است. در ردیف 5 نیز، آمدن ریم و محبوبه «و راه می‌رفتم؛ می‌نشستم» نشان از دغدغه فکری آنان دارد.

از مجموع بررسی‌ها در رفتارهای حرکتی دو رمان دریافتیم که این نوع زبان بدن با کارکرد متناسب (18 درصد آیام‌معه و 23 درصد بامداد خمار) گویای احساسات درونی شخصیت‌های داستان است؛ به‌گونه‌ای که به مخاطب اجازه می‌دهد با تحلیل رفتارهای حرکتی آنان درباره‌شان قضاوت کند؛ امری که به درک خواننده از دو داستان کمکی شایان می‌کند.

2-2-3. حرکات دست

از انواع دیگر زبان بدن که در ارتباطات غیرکلامی حامل پیام‌هایی به مخاطب است، حرکات دست است. حرکات دست که جایگزین خوبی برای زبان کلامی است، «در مواقعی بسیار صریح‌تر و نافذتر از کلام عمل می‌کند» (جلاس، 2008: 191). پیام‌های دست به مخاطب، بسته به بافت ارتباط، متفاوت است (أحمد، 2003: 22)؛ مثلاً دلالت بر محبت، اندوه، دوستی، قطع ارتباط، خشم و غیره دارد.

جدول 6: کارکردهای حرکات دست در دو رمان

| ردیف | کارکرد | آیام‌معه | بامداد خمار |
|------|-----------|----------|--|
| 1 | محبت | () | این بار با آغوش باز جلو آمد. (زن‌عمو) |
| 2 | خشم | () | کلاه را در دست می‌فشرد و می‌پیچید. (رحیم) |
| 3 | عکس‌العمل | () | دست را به سینه زد. (محبوبه) |

در ردیف 1، رانیه و زن‌عمو برای ابراز محبت به مخاطب به‌جای کاربرد عبارت‌های متعارف و توصیفی استقبال و خوشامدگویی با تکیه بر حرکات دست و بدن «و «با آغوش باز جلو آمد» حالت استقبال را به‌گونه‌ای عمیق‌تر به مخاطب منتقل می‌کنند. در ردیف 2، شکل توصیف انگشتان و فشردن یک شیء با آن‌ها «و «کلاه را در دست



می فشرد و می پیچید» دلالت بر خشم و عصانیت ریم و رحیم دارد که به نوعی جایگزین زبان گفتار شده است. در ردیف 3، وقتی ریم و محبوبه از رفتار مخاطبشان رضایت ندارند، به جای اینکه با زبان گفتار با مخاطب درآویزند، دست روی سینه می گذارند و به رفتار وی عکس العمل نشان می دهند.

با بررسی حرکات دست در دو رمان درمی یابیم که دو نویسنده با تصویرپردازی شیوه قرارگیری دست‌های شخصیت‌ها احساسات درونی آن‌ها را بازگو می کنند و شخصیت پنهانشان را به مخاطب عرضه می کنند. در بررسی کلی دریافتیم که میزان استفاده از حرکات دست در *بامداد خمار* بیشتر از *ایامعه* است (10 درصد و *بامداد خمار* 17 درصد). علت این امر در دو چیز خلاصه می شود: نخست، در تفاوت شیوه روایت دو رمان، به طوری که شیوه روایت در *ایامعه* اول شخص است و در *بامداد خمار* سوم شخص. در شیوه اول شخص که «روایت اغلب در راستای نمایش اعماق ذهن شخصیت داستانی و افکار گفته نشده او به کار می رود» (جنیت، 1997: 214) و همچنین شخصیت داستانی تلاش می کند «عملی انجام دهد و چیزی را قضاوت کند و نظرش را درباره آن بیان نماید» (الباردی، 2444: 3)، طبیعی می نماید که محور ارتباطات بیشتر بر پایه ارتباط کلامی باشد و به تبع آن حرکات سر نیز از نمود کمتری برخوردار باشد. از دیگر سو، روایت سوم شخص، در مقایسه با اول شخص، بیشتر بر پایه ارتباطات میان فردی است و اساس این گونه ارتباطی توأمان، آمیزه‌ای از ارتباط کلامی و غیرکلامی است (محمد، 2011: 114). علت دوم بسامد بالای کارکرد حرکات دست در *بامداد خمار* این است که در روابط غیرکلامی، دست بعد از صورت گویاترین عضو بدن است؛ به طوری که حاوی پیام‌هایی است که دیگر اعضای بدن توانایی انتقال آن را به مخاطب ندارند.

2-2-4. حرکات سر

حرکات سر نیز در بیان رفتارهای انسان نقش دارد و عامل مهمی در ارتباط میان افراد به شمار می آید. در فرهنگ‌های گوناگون، بسیاری از حرکات سر حاوی پیام یکسان است. برای مثال «اشاره با سر یا تکان دادن آن از سمتی به سمت دیگر حرکتی است که انسان‌ها در همه‌جای دنیا برای بیان مخالفت خود با چیزی از آن بهره می گیرند.

همچنین وقتی شخصی سر خود را به آرامی تکان می‌دهد معمولاً بدین معناست که وی به سخن گوش فرامی‌دهد» (کینزی جومان، 2010: 84). سر شخصیت‌های آیام‌معه و بامداد خمار با اهداف متفاوتی حرکت می‌کند: در بعضی از موقعیت‌ها به منظور تأیید و یا ردّ پیام‌های کلامی است یا برحسب شرایط جایگزین زبان گفتاری می‌شود.

جدول 7: کارکردهای حرکات سر در هر دو رمان

| ردیف | کارکرد | آیام‌معه | بامداد خمار | ردیف |
|------|----------------|----------|--|---------|
| 1 | تأیید | () . | سرم را به علامت مثبت تکان دادم. (محبوبه) | 28 1 |
| 2 | عکس‌العمل ل | () . | باز سر بلند کردم. (محبوبه) | 18 0 |
| 3 | اندوه | () . | با تأسف سرش را تکان داد. (رحیم) | 36 2 |

در ردیف 1، وقتی ریم و محبوبه قصد تأیید رفتار مخاطب را دارند، به جای استفاده از زبان گفتار سر خود را تکان می‌دهند تا احساس درونی خود را به این رفتار بروز دهند. همچنین در ردیف 2، ریم و محبوبه با بلند کردن سر خود به سمت بالا تلاش می‌کنند عکس‌العمل خود را به رفتار نامناسب مخاطب نشان دهند. در ردیف 3 نیز، زیاد و رحیم با حرکت دادن سر به سمت چپ و راست و با پرهیز از استفاده از زبان گفتار، اندوه و افسوس خود را از رفتارهای نادرست مخاطب ابراز می‌کنند.

با بررسی حرکات سر در دو رمان چنین دریافتیم که زبان حرکات سر به صورت یکسان کمترین حضور را در هر دو اثر (5 درصد) دارد. این میزان کارکرد نشان از آگاهی هر دو نویسنده از کارآمدی حالات چهره و رفتارهای حرکتی در مقایسه با حرکات سر در ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های داستان دارد.

3. تحلیل آماری داده‌ها



پیش از تحلیل آماری کارکردهای زبان بدن در *ایامعه* و *بامداد* خمار باید بگوییم تعداد کل واژگان *بامداد* خمار (105.000 واژه) تقریباً دو برابر تعداد واژگان *ایامعه* (05.000 واژه) است و همچنین تعداد واژگان سازنده زبان بدن در *بامداد* خمار (10.150 واژه) نیز تقریباً دو برابر تعداد واژگان سازنده زبان بدن در *ایامعه* (500 واژه) است؛ لذا میزان استفاده از زبان بدن در هر دو رمان تقریباً یکسان است (*ایامعه* 12 درصد و *بامداد* خمار 10 درصد). جدول‌های زیر به ترتیب فراوانی کارکردهای زبان بدن در دو رمان را نشان می‌دهد.

جدول 5: کارکردهای رفتارهای حرکتی در دو رمان

| درصد | جمع کل | مچن | قطع ارتباط | بررسی | تعبیر | فکر | ترتیب | خشم | تأیید کردن | تصنیعی | اندوه | تسخیر | خوشحالی | حالات چهره |
|------|---------|--------|------------|-------|-------|-----|-------|-----|------------|--------|-------|-------|---------------|---------------|
| %46 | 23 4 | | | | | | | 1 | 1 | 1 | 23 | 5 | 17 | <i>ایامعه</i> |
| | | | | | | | | | 2 | 4 | | 9 | خنده | |
| %35 | 29 5 | | | | | | | 1 | 1 | 1 | 25 | 2 | | 22 |
| | | | | | | | | | | 4 | | 9 | | |
| %31 | 15 7 | 2 0 | 2 | 2 | 2 | 3 | 3 | 1 | | | 13 | | 16 | <i>ایامعه</i> |
| | | | | | | | | 1 | | | | | چشم | |
| %37 | 31 3 | 2 1 | 8 | 4 | 5 | 9 | 1 | 3 | | | 24 | | | 17 |
| | | | | | | | | 4 | | | | | | |
| %14 | 70 | | | | | | | | | | 60 | | 10 | <i>ایامعه</i> |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| %15 | 12 7 | | | | | | 1 | | 4 | 10 | | 3 | <i>بامداد</i> | |
| | | | | | | | | | | | | | | <i>خمار</i> |
| %9 | 47 | 2 6 | | | 1 | | 5 | 8 | | | 4 | | 3 | <i>ایامعه</i> |
| | | | | | | | | | | | | | | |
| %13 | 11 5 | 5 2 | | | 1 | | 8 | 2 | | 6 | 2 | 3 | <i>بامداد</i> | |
| | | | | | | | | | | | | | | <i>خمار</i> |
| | | | | | | | | | | | | | <i>ایامعه</i> | جمع کل |
| | | | | | | | | | | | | | <i>بامداد</i> | |
| | | | | | | | | | | | | | 508 | |
| | | | | | | | | | | | | | 850 | |

خمار

بر اساس جدول فوق و با مقایسه آمار کارکردهای حالات چهره در هر دو رمان درمی‌یابیم که «خوشحالی» پربسامدترین کارکرد زبان خنده، «اندوه» پربسامدترین کارکرد زبان گریه، «تفکر و بررسی» پربسامدترین کارکرد تماس چشمی و «ابراز محبت» پربسامدترین کارکرد زبان لب‌ها و دهان در هر دو رمان است. این مشابهت در کارکردهای حالات چهره نشان از نزدیکی ارتباطات غیرکلامی دو رمان و به تبع آن سبک نگارش نویسندگان آن دارد.

جدول 9: کارکردهای رفتارهای حرکتی در دو رمان

| رفتارهای حرکتی | سنگ | تجفیر | عجله کردن | اضطراب | ترس | استراحت | تعجب | شادی | صمیمیت | اظهار ضعف | خجالت | اندوه | عکس‌العمل | ایجاد ارتباط | قطع ارتباط | جمع کل |
|----------------|-----|-------|-----------|--------|-----|---------|------|------|--------|-----------|-------|-------|-----------|--------------|------------|--------|
| آیام‌مه | 9 | 5 | 1 | 2 | 1 | 1 | | 5 | 4 | | | 5 | 3 | 2 | | 138 |
| بامداد خمار | 79 | 5 | 3 | 3 | 5 | 2 | 1 | 4 | 4 | 1 | 6 | 2 | 1 | 9 | 1 | 354 |
| | | | 0 | 2 | 1 | 0 | 1 | 0 | 0 | 6 | 7 | 4 | 4 | 0 | | |

رفتارهای حرکتی که دومین زبان بدن پرکاربرد در دو رمان به حساب می‌آید، دارای کارکردهایی است که بیشتر آن‌ها نشانگر خشم، ترس، اضطراب و اندوه طرفین گفت‌وگوست. این پیام‌ها که بیشتر از جانب شخصیت‌های زنانه دو اثر بروز می‌یابد، گویای نارضایتی آن‌ها در برابر تفکرات نادرست جامعه مردسالاری است که هرکدام از آن‌ها گرفتار آن شده‌اند و اکنون با زبان خاموش و با رفتارهای غیرکلامی‌شان به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند.

جدول 10: کارکردهای حرکات دست در دو رمان

| حرکات دست | خشم | خجالت | تأکید کردن | مخالفت | ترس | خوشحالی | آشفته‌گی خاطر | عکس‌العمل | ایجاد ارتباط | احترام | اندوه | دلداری | راه‌نمایی | ابراز علاقه | خوبش‌داری | التماس | جمع کل |
|-----------|-----|-------|------------|--------|-----|---------|---------------|-----------|--------------|--------|-------|--------|-----------|-------------|-----------|--------|--------|
|-----------|-----|-------|------------|--------|-----|---------|---------------|-----------|--------------|--------|-------|--------|-----------|-------------|-----------|--------|--------|



| | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|----|-------------|
| 71 | | | 3 | 2 | 1 | 1 | | 1 | 2 | 3 | 7 | 7 | | | | 3 | ایامعه |
| | | | 4 | | 1 | | | | | | | | | | | | |
| 24 | 8 | 5 | 3 | 2 | 1 | 3 | 5 | 7 | 1 | 1 | 1 | 1 | 6 | 1 | 1 | 67 | بامداد خمار |
| 9 | | | 6 | | 5 | 3 | | | 0 | 0 | 1 | 0 | | 4 | 0 | | |

با نگاه به جدول بالا درمی‌یابیم که کارکردهای حرکات دست در هر دو رمان، از لحاظ فراوانی مشابهت تقریباً نزدیکی با یکدیگر دارند؛ اما تفاوت فاحش آن در میزان استفاده از برخی از کارکردهای منفی زبان دست است؛ بدین شکل که کارکرد خشم در *بامداد خمار* تقریباً 20 برابر *ایامعه* (77 در برابر 3) و کارکرد اندوه 33 برابر آن (33 در برابر 1) است. از دیگر سو، برخی از کارکردهای منفی زبان دست، همچون خجالت و مخالفت، هیچ فراوانی‌ای در *ایامعه* ندارد؛ اما در *بامداد خمار* دارای فراوانی نسبتاً زیادی است. علت آن در دو عامل وجود دارد: عامل اجتماعی و عامل فنی. عامل اجتماعی به شرایط و وضعیت جامعه‌ای برمی‌گردد که سیدجوادی در *بامداد خمار* به تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ای که بیشتر از جامعه *ایامعه* خفقان اجتماعی، آشفتگی روحی و فشارهای روانی بر زن‌های داستان دارد؛ لذا طبیعی می‌نماید که رفتارهای غیرکلامی دال بر خشم و انزجار زنان در این رمان پربسامدتر باشد. عامل فنی به زاویه دید داستان و موضوع آن برمی‌گردد. در *ایامعه* زاویه دید اول‌شخص است و این امر مانع از ارتباط‌های غیرکلامی بی‌شمار دست میان شخصیت‌های داستان می‌شود؛ اما در *بامداد خمار* سوم‌شخص بودن راوی و بیرونی بودن زاویه دید ارتباطات غیرکلامی دست بیشتری را میان شخصیت‌ها می‌طلبد. همچنین موضوع داستان *ایامعه* که بیشتر حول محور خاطرات گذشته شخصیت اصلی می‌چرخد و بیشتر رخدادها در قالب گفت‌وگوی درونی ارائه می‌شود، استفاده از ارتباطات غیرکلامی دست کمتری را ایجاب می‌کند.

جدول 11: کارکردهای حرکات سر در دو رمان

| حركات سر | عكس العمل | اندوه | خجالت | تأسف | احوال پرسي | غرور | ترس | خشع | آرامش خاطر | تأيد كردن | مخالفت | جمع رك |
|-------------|-----------|--------|--------|------|------------|--------|-----|-----|------------|-----------|--------|--------|
| آيام معه | 2 | 5 | | 8 | 2 | | | | 1 | 21 | 1 | 40 |
| بامداد خمار | 18 | 2 2 | 1 3 | 5 | | 1 1 | 4 | 2 | 4 | 4 | 1 | 84 |

با توجه به جدول بالا، کارکرد اندوه در حرکات سر شخصیت‌های *بامداد خمار* بیشترین فراوانی را دارد؛ بدان سبب که اتفاقات این داستان بیشتر مربوط به کشمکش‌های درونی شخصیت‌های زنانه داستان با فضای جامعه مردسالار است. لذا از رخدادهایی که برایشان اتفاق می‌افتد بیشتر اندوهگین می‌شوند و به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. در مقابل شخصیت‌های زنانه *آيام معه* به جای اینکه با حرکات سر واکنش نشان دهند و اندوهگین شوند، بیشتر نقش تأیید را بازی می‌کنند. این وجه تمایز نشان می‌دهد که زن‌های *آيام معه* سعی می‌کنند کمتر در تعارض با جامعه و افراد آن قرار گیرند؛ از این رو مصیبت‌هایی را که بر سرشان می‌آید، می‌پذیرند و تأیید می‌کنند. این در حالی است که زنان *بامداد خمار* در برابر چنین اتفاقات و طرز تفکراتی عصیان می‌کنند و به مخالفت و مقابله می‌پردازند.

4. نتیجه‌گیری

پاسخ به سؤال اول پژوهش این است که زبان بدن در هر دو رمان تقریباً کارکردی یکسان دارد (12 درصد *آيام معه* و 10 درصد *بامداد خمار*). این تشابه بیان می‌کند که سبک نگارش دو نویسنده و همچنین طراحی الگوهای مناسب برای رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های داستان در هر دو اثر تقریباً یکسان است. جدول زیر گویای این موضوع است.

جدول 12: بسامد و درصد حضور زبان بدن در دو رمان



| کل واژگان ¹ | کل واژگان سازنده زبان بدن | درصد حضور زبان بدن در رمان | |
|------------------------|---------------------------|----------------------------|----------------|
| 05000 | 5500 | 12% | ایام‌معه |
| 105000 | 10150 | 10% | بامداد خمار |

پاسخ به سؤال دوم این است که پربسامدترین زبان بدن در دو رمان متعلق به حالات چهره (77 درصد ایام‌معه و 55 درصد بامداد خمار) و پس از آن رفتارهای حرکتی (18 درصد ایام‌معه و 23 درصد بامداد خمار) است. تشابه نزدیک در استفاده از این دو زبان بدن بیان می‌کند که در ارتباطات غیرکلامی، به‌ویژه زمانی که طرفین گفت‌وگو زن باشند، حالات چهره بیشتر قابل رؤیت است و حالات نشستن، راه رفتن و ایستادن بیشتر قابل استفاده؛ به همین دلیل، مخاطب از طریق گریه، خنده و حرکات چشم و لب و دهان گوینده و همچنین رفتارهای حرکتی او پرده از حالات درونی و احساسات وی برمی‌دارد.

جدول 13: بسامد و درصد حضور انواع زبان بدن در دو رمان

| حالات چهره | رفتارهای حرکتی | حرکات دست | حالات سر | جمع کل | | |
|------------|----------------|-----------|----------|--------|---------|----------------|
| 808 | 138 | 71 | 00 | 777 | فراوانی | ایام‌معه |
| 77% | 18% | 10% | 5% | 100% | درصد | |
| 550 | 454 | 249 | 84 | 1737 | فراوانی | بامداد خمار |
| 55% | 23% | 17% | 5% | 100% | درصد | |

پاسخ به سؤال سوم این است کارکردهای زبان بدن در ایام‌معه بیشتر در دایره مفاهیم مثبت، همچون خوشحالی، ابراز محبت، آرامش خاطر، دلداری، ایجاد ارتباط و اندیشیدن، قرار می‌گیرد؛ درحالی که کارکردهای زبان بدن در بامداد خمار بیشتر در دایره مفاهیم منفی، همچون خشم، انزجار، قطع ارتباط، ترس، اضطراب، اندوه، مخالفت

و غرور، قرار دارد. علت اصلی این تفاوت در اختلاف دو رمان در زاویه دید، شرایط اجتماعی و روحیات شخصیت‌های زنانه آن‌هاست؛ به گونه‌ای که شخصیت‌های زنانه *آیام‌معه* بیشتر تأییدکننده و سازش‌طلب‌اند و در *بامداد خمار* بیشتر اندوهگین، مغرور و عصیانگرند.

جدول 14: بسامد کارکردهای مثبت و منفی زبان بدن در دو رمان

| جمع کل | | حالات سر | | حرکات دست | | رفتارهای حرکتی | | حالات چهره | | |
|----------|---------|----------|----|-----------|----|----------------|----|------------|-----|--------------------|
| - | + | - | + | - | + | - | + | - | + | |
| 369 | 54 0 | 1 8 | 27 | 20 | 69 | 66 | 82 | 27 5 | 362 | <i>آیام‌معه</i> |
| 100 3 | 64 6 | 8 8 | 11 | 194 | 73 | 299 | 77 | 72 2 | 455 | <i>بامداد خمار</i> |

پی‌نوشت

1. با توجه به اینکه هر دو رمان اثری فیزیکی هستند و قابلیت تبدیل به فایل ورد و شمارش واژگان آن با کمک نرم‌افزارهای معتبر واژگان‌سنج مقدور نبود، کل واژگان و همچنین واژگان سازنده زبان بدن در این دو اثر دستی شمرده شد.



2. منابع

- آذری، پروا (1391). «مشخصه‌های زبان و روایت زنانه در داستان‌های نویسندگان زن». کتاب ماه ادبیات. ش 61. صص 29-38.
- آذری، غلامرضا و فاطمه نبیان (1090). «تحلیل محتوای ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های آثار برگزیده سیمین دانشور». فرهنگ ارتباطات. د 1. ش 2. صص 1-24.
- آرژیل، مایکل (1388). روانشناسی ارتباطات و حرکات بدن. ترجمه: مرجان فرجی. تهران: دانژه.
- . (2002).
- امامی، نصرالله (1377). مبانی روش‌های نقد ادبی. تهران: دیبا.
- . (2444).
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و مرضیه زلیکانی (1394). «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی». متن پژوهی ادبی. د 19. ش 55. صص 79-99.
- . (1366).
- . (2002).
- بهنام، مینا و دیگران (1393). «گفتار بی‌صدا: تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس». فنون ادبی. دانشگاه اصفهان. د 6. ش 2. صص 36-48.
- . (1997).
- . (2008).
- . (2015).
- . 36. 50-11.
- . (2008).
- . 10.
- . (1997).

- حاجتی، سمیه و احمد رضی (1391). «کارکرد کنش‌های ارتباطی برون‌زبانی در داستان‌های مصطفی مستور». *کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه یزد. د13. ش 25. صص 155-196.
- (2444).
- حسام‌زاده، منصور همایون (1389). *زبان بدن: ارتباط غیرکلامی و کلامی*. چ 2. تهران: پورنگ.
- (2016). ه
- 2. 62-50. و.
- (2010).
- رجائی، نجمه (1388). *آشنایی با نقد ادبی معاصر عربی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، ایرج (1393). «نقش رفتارهای غیرکلامی در ارتباطات انسانی از منظر آیات و روایات اسلامی». *بصیرت و تربیت اسلامی*. سازمان عقیدتی سیاسی ناجا. د11. ش 31. صص 47-72.
- رضی، احمد و الهیار افراخته (1389). «تحلیل روابط برون‌زبانی در روایت بیهقی از بر دار کردن حسنگ وزیر». د18. ش 69. صص 29-88.
- ریچموند، ویرجینیایی و جیمزسی مک‌کروسکی (1388). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان‌فردی*. ترجمه فاطمه‌سادات موسوی و ژیلا عبدالله‌پور. چ 2. تهران: دانژه.
- (2009).
- شوقی، عباس (1050). *فردوسی پاک‌زاد*. تهران: مؤسسه مطبوعات عطائی.
- (2444). ه
- 7. و.
- 112. 133-103. و.
- (2016). 1.



- (2008).
- (2010).
- (1332).
- فرهنگی، علی اکبر (1373). *ارتباطات انسانی*. تهران: تایمز.
- قبادی، علی رضا و مسعود زارع مهرجردی (1394). «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ: نقش ارتباطات غیرکلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان». *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. د. 8. ش. 1. صص 119-154.
- (2005).
- کلاهچیان، فاطمه و زهرا جمشیدی (1392). «بررسی کارکرد رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در شازده احتجاب». *جستارهای داستانی در ادب فارسی*. دانشگاه رازی. د. 1. ش. 3. صص 111-144.
- کونکه، الیزابت (1392). *زبان بدن به زبان آدمیزاد*. ترجمه زهرا نعمتی. چ. 2. تهران: هیرمند.
- (2010).
- (1940).
- 00. 55-00.
- (2009).
- (2011).
- مروتی، سهراب و دیگران (1392). «نوع‌شناسی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم». *دین و ارتباطات*. دانشگاه امام صادق (ع). د. 20. ش. 33. صص 177-193.

- معتمدی، غلام‌حسین (1389/2/26 ش). «روانشناسی گریه». روزنامه همشهری: www.hamshahrionline.ir
- (2010). 2. :
- نیک‌دار اصل، محمدحسین و محمدهادی احمدیانی (1395). «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی». شعرپژوهی. دانشگاه شیراز. د8. ش1. صص 166-210.

